

تولد پیران خراسان از دل تذکره

گفت‌وگو با دکتر مجتبی مجرد درباره تصحیحات دکتر شفیعی کدکنی از متون کهن فارسی

«رامش»

سردار ماهیان تا پوشش‌ها و تصحیح متون کهن فارسی دیده می‌شود. در این میان، تصحیح او به ویژه آنچه از آثار عثمان نیشابوری به زبان کتاب فرستاده است، جایگاه ویژه‌ای دارد. این جایگاه تا میان‌جامست که «تذکره» یا «لیا» شیخ عباس قمی تصحیح او که در سال جاری منتشر شد، بخلاف آنچه دربارهٔ آثار پاپین کتابخوانی ایرانی‌ها گفته می‌شود و تخصصی بودن این اثر و پهای زیاد کتاب بر وضعیت اقتصادی کشورها، می‌باشد. اشکات‌انگیز مخاطبان روبرو، رو شدردر گفت‌وگو ی‌پیشرو، از دکتر مجتبی مجرد، پژوهشگر و استادیار زبان و ادبیات فارسی، دربارهٔ تصحیحات شعر شفیعی کدکنی پرسیدیم. او از مجرد تا اکنون کتاب‌هایی چون «سخت‌تصحیح متن در ایران پس از اسلام»، «تاریخ علمای خراسان» و جز این‌ها به چاپ رسیده است.

● **معروف‌ترین تصحیحات آثار عثمان، تصحیحاتی است که استاد شفیعی کدکنی انجام داده‌اند. در کار ایشان چه ویژگی‌هایی را می‌بینید که باعث تمایز ایشان از دیگران می‌شود؟**

در تصحیح متن ما دست کم با دو مسئله روبرو هستیم؛ یکی روش‌هایی که برای تصحیح متن به کار می‌رود و دیگری قدرت بینش و ذوق و تنبیه منجمد دکتر شفیعی کدکنی در تصحیح آثار عثمان. از همان روش‌های مرسوم استفاده کرده‌اند که دیگران استفاده کرده‌اند و از جنبه‌ی خاص‌شان در استفاده از این روش‌ها بایدند تا از باشند. اما وجه شاخص تصحیحات ایشان در این شق دوم نهفته و از ذوق بسیار بسیار ارزشمند و متمایزه‌اند. تصحیح ایشان در باب علمای است و از جنس تصحیحاتی است که چندین دهه از عمرشان را صرف تصحیح و خواندن آثار عثمان کرده‌اند.

● **فکر می‌کنید چرا استاد از میان متون کهن فارسی که به تصحیح و شاخص‌نمودن ایشان در آن توجّه ویژه‌ای به برخی مخصوصاً آثار شیخ عثمان داشته‌است؟**

در سراسر دیگر متون، یک نکته بسیار مشخص و برجسته است و از جنس خراسان‌دوستی بسیار عجیب و غریبی است که در سراسر آثار او دیده می‌شود. عثمان را در نظر دارم؛ این‌گونه است. ایشان مانند اخوان ثالث هم وجود داشته‌است. این خراسان‌گرایان از آن روستک که دکتر شفیعی کدکنی خراسان را یا به تعبیر خود ایشان در گستره محدودتر، نیشابور را فشرده‌ای از ایران کهن می‌داند و به همین دلیل شاید همین عرف خراسان‌دوستی و نیشابور‌دوستی باعث شده‌است ایشان به ویژه در باب

سعدی وارد کرده بود، مگر در کتب شفیعی کدکنی از عثمان یاد می‌دهد و او با علم به اینکه موردحمله قرار می‌گیرد، از میان این دیدگاه‌هایش دریغ نمی‌کند. زیرا آن‌طور که در نامه‌اش نوشته‌است، شاملو باید تجزیه و تحلیل شود و اگر امروز این کار را نکنند، «کار این را پندگاران یا برخی خواهند کرد».

● **آنگونه‌ای که در تذکره شفیعی کدکنی بر «هژرنه‌پند اشعار پرویز از نمونه‌های ایران، یادگایها دانست، در سال ۱۹۹۶ نام‌های از متون کهن رسد که گیرنده‌اش مشخص نیست، اما فرستنده‌اش چاره سرائند» چه جایگزین شتایان؟» در این نامه تفه‌هایی به یادماند، وارد می‌کند که بعدها در کتاب چارچ و آینه منتشر می‌شود. او در بخشی از این نامه می‌نویسد: «مختلف‌الاضلاع»**

● **استد که فقط «مطلع» شعری را بر او جان‌ها می‌بینند و باز از «مختلف‌الاضلاع» شعر او هم فقط «مطلع» بی‌وزنی را و این قطع، چون «همین عذمی» است دسترسی به آن برای همه آسان است. در همین دلیل هر جوانی با دفتر چسبای چرک‌پر و با مداد دل‌نوی می‌خواهد، یادماند، شود. [ا. حق این است که شاملو را برای**

● **نسل جوان امروز باید «تجزیه» و «تحلیل» کرد. م‌سکن است و این من تجزیه خیلی از مستحبات او تبدیل به تقاضای ضعف شود ولی به‌رحال، از این کار گریز نمی‌تست. این کار را پندگان با بی‌حی می‌خوانند کرد. اگر جوانان امروز یادداشت کنند شش‌صفت‌اندی آبی‌آبی شده‌اند چون شش‌صفت تشکیل شده‌است. هرگز این گونه شعر را صرف شعر، این هم شعر این طوری... چه نظم او، چه نثر او، ملاک اعتبار «نثر شیخ» است. او بهتر از هر کسی می‌دانی که آنچه، یادماند تا احمد شاملو در آن، می‌سازد اگر به صد جره تقسیم شود، پنجاه تا مستح در حدش می‌ربطی به شعر ندارد. این شهرت و اعتبار نتیجه پنجاه سال است حضور مستمر در روزنامه‌ها است.»**

● **تقد شاملو که خود تفه‌های ندری به برخی‌گان چون فردوسی و**

عطار نیشابوری اهتمام ویژه‌ای داشته باشد. البته به هر حال اینکه ایشان خود زاده کدکن است و به تعبیر خودشان کدکن محل زندگی عطار نیشابوری بوده هم در این مسئله بی‌تأثیر نیست.

● **اهمیت دو تصحیح مشهور دیگر ایشان، غزلیات شمس و سراسر التوحید را در مقایسه با دیگر تصحیحات موجود این آثار در چه می‌بینید؟**

● **ایشان غزلیات شمس را تصحیح نکرده‌اند، بلکه گردباده‌ای از آن را در دو چاپ مختلف ارائه کرده‌اند که به تعبیر چاپ ایشان مبتنی بر همان تصحیح بدیع‌الزمان فروزان فر است. البته عثمان در بعضی جاها کتابی را تذکره شهنده، نامته که جنبه تصحیحی است. تواریخ تصوف و زمینه‌هایی از این هم می‌تواند غزلیات شمس زرده‌اند، به تصحیح غزلیات شمس زرده‌اند، هر چند در موضوع گوناگون این نکته را مدت کرد. غزلیات شمس از نثر مشهور است و مهم‌ترین عامل آن تصحیح و دفع‌های بسیار بی‌طرفانه و دانش بسیار گسترده‌ای است که در آنجا مشهود است که گامی این روش‌ها در تصحیح متن به آثار عثمان، اثار دکتر باب یک حرف اضافه منجر به نتیجه‌گیری‌هایی در نوع خود کسب‌سابقه یافته‌سابقه می‌شود.**

● **فکر می‌کنید چرا استاد از میان متون کهن فارسی که به تصحیح و شاخص‌نمودن ایشان در آن توجّه ویژه‌ای به برخی مخصوصاً آثار شیخ عثمان داشته‌است؟**

● **در سراسر دیگر متون، یک نکته بسیار مشخص و برجسته است و از جنس خراسان‌دوستی بسیار عجیب و غریبی است که در سراسر آثار او دیده می‌شود. عثمان را در نظر دارم؛ این‌گونه است. ایشان مانند اخوان ثالث هم وجود داشته‌است. این خراسان‌گرایان از آن روستک که دکتر شفیعی کدکنی خراسان را یا به تعبیر خود ایشان در گستره محدودتر، نیشابور را فشرده‌ای از ایران کهن می‌داند و به همین دلیل شاید همین عرف خراسان‌دوستی و نیشابور‌دوستی باعث شده‌است ایشان به ویژه در باب**

سعدی وارد کرده بود، مگر در کتب شفیعی کدکنی از عثمان یاد می‌دهد و او با علم به اینکه موردحمله قرار می‌گیرد، از میان این دیدگاه‌هایش دریغ نمی‌کند. زیرا آن‌طور که در نامه‌اش نوشته‌است، شاملو باید تجزیه و تحلیل شود و اگر امروز این کار را نکنند، «کار این را پندگاران یا برخی خواهند کرد».

● **آنگونه‌ای که در تذکره شفیعی کدکنی بر «هژرنه‌پند اشعار پرویز از نمونه‌های ایران، یادگایها دانست، در سال ۱۹۹۶ نام‌های از متون کهن رسد که گیرنده‌اش مشخص نیست، اما فرستنده‌اش چاره سرائند» چه جایگزین شتایان؟» در این نامه تفه‌هایی به یادماند، وارد می‌کند که بعدها در کتاب چارچ و آینه منتشر می‌شود. او در بخشی از این نامه می‌نویسد: «مختلف‌الاضلاع»**

● **استد که فقط «مطلع» شعری را بر او جان‌ها می‌بینند و باز از «مختلف‌الاضلاع» شعر او هم فقط «مطلع» بی‌وزنی را و این قطع، چون «همین عذمی» است دسترسی به آن برای همه آسان است. در همین دلیل هر جوانی با دفتر چسبای چرک‌پر و با مداد دل‌نوی می‌خواهد، یادماند، شود. [ا. حق این است که شاملو را برای**

● **نسل جوان امروز باید «تجزیه» و «تحلیل» کرد. م‌سکن است و این من تجزیه خیلی از مستحبات او تبدیل به تقاضای ضعف شود ولی به‌رحال، از این کار گریز نمی‌تست. این کار را پندگان با بی‌حی می‌خوانند کرد. اگر جوانان امروز یادداشت کنند شش‌صفت‌اندی آبی‌آبی شده‌اند چون شش‌صفت تشکیل شده‌است. هرگز این گونه شعر را صرف شعر، این هم شعر این طوری... چه نظم او، چه نثر او، ملاک اعتبار «نثر شیخ» است. او بهتر از هر کسی می‌دانی که آنچه، یادماند تا احمد شاملو در آن، می‌سازد اگر به صد جره تقسیم شود، پنجاه تا مستح در حدش می‌ربطی به شعر ندارد. این شهرت و اعتبار نتیجه پنجاه سال است حضور مستمر در روزنامه‌ها است.»**

● **تقد شاملو که خود تفه‌های ندری به برخی‌گان چون فردوسی و**

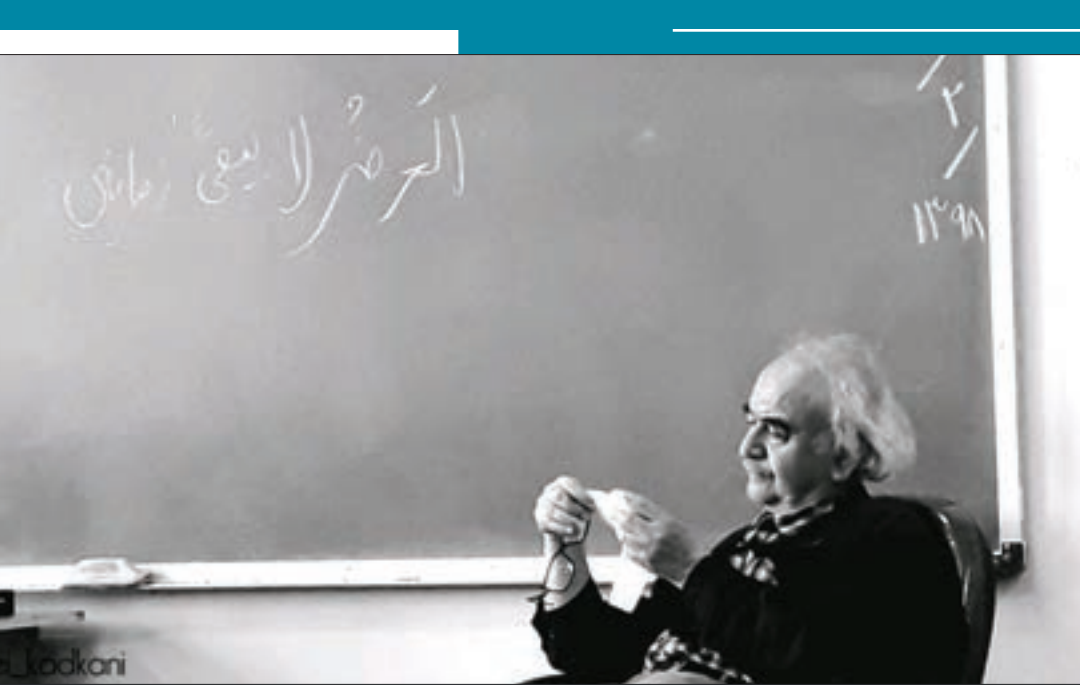
سرو قدافراشته خراسان

پروندانی به مناسبت هشتادسالگی استاد محمدرضا شفیعی کدکنی

● **ایرانی ا فردا نوزدهم مهر، سالروز رخدادی خجسته است. این رخداد اگر چه در ارتباط با فرهنگ مریدی معنا پیدا می‌کند که خراسانی است و سال‌ها در مشهد ریشه و پرورش یافته است. می‌تواند امری فراتر از جغرافیایی خاص باشد، چنان‌که خود آرزو کرده است: «ای کاش، آدمی ووشتر را، مثل بنفشه‌ها/ (در حبه‌های خاک) یک روز می‌توانست، همراه خویشتن برید هر کجا که خواست/ در روش‌های باران، در آفتاب پاک».**

● **مردی که در عین این جهان مبهمی، به خراسانش و ایرانش عرف دارد و این دین بستگی را می‌توان از پیش از نیم‌سده تلاش برای ارتقای فرهنگ و ادب ایران و معرفی بزرگان خراسانی تمدن ایرانی به‌ویژه در عرصه عرفان دریافت. استاد دانشگاه تهران در زمینه تز حجه نیم دستی بر آتش دارد: «آثاری مانند «تصوف اسلامی و رابطه کهرای و خدا» نوشته رینولد ا. نیکلسون یا «تاریخ خصلت‌های مهم انسان، در سفر و حضر مطالعه و جست‌وجوست. مثلا در سفرهای خراسان، ایشان از هر شهر و مکان می‌سازد. است تا اکنون در هشتادسالگی نام خود را به عنوان اثر هیفت‌آرا بر کار، نیز ثبت کرده باشد. از دیگر افتخارات او کسب نشان‌های «امشهد پایتخت فرهنگی ایران» و «نشان عالی هنر برای صلح است» برهنه پیش‌رو، ادای دینی است به این قبیله انبیا، بوده است. خود شاعری برجسته است که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**



● **امیرمضمون رحیمیان) گاهی اوقات تا به خودت جنسی می‌بینی از کسانی با چیزهای دیر و دور شده‌ای فرصت از دست رفته است. مثل اینکه پیمانی را باید به گوشه‌ی می‌رساندی که دیگر نمی‌شود. کسی را باید ملاقات می‌کردی که مرده است. چیزی را می‌بگذاری که در مدت مدیدی خود، پای هبوطان کرد در زبان را به سینما باز کنده تاچای که موشق شد عنوان «برترین سینما را در جذب مخاطب» در سال ۹۷ برای سینما بینم سننخ کسب کند. حیدر مرادی همچنین برای اضافه‌کردن تعداد سینما در استان کردستان تلاش کرده است امید است تلاش‌ها را در استان خراسان رضوی نیز ادامه دهد. با همه این احوال، میردن سکام مدیریت دومین سینمای فرهنگی کشور به دست مرادی، بیمه‌ها و امیدهایی به‌دنبال دارد که تنها با گذشت زمان می‌توان درباره آن با قیولت کرد.**

● **فردا تماس دوچراهم گرفت و بعد برای عیادت به خانه‌اش خواهم رفت. افسوس که آن قرار به تأخیر افتاد و دیدار استقامت حرتی سر بر دل، پاییز سال ۱۳۸۲ است که بوی مهریابی دارد و عطر متمم مهر با یاد کامرانوی مهربان تر شده است انگار.**

● **فردا تمام دوچراهم گرفت و بعد برای عیادت به خانه‌اش خواهم رفت. افسوس که آن قرار به تأخیر افتاد و دیدار استقامت حرتی سر بر دل، پاییز سال ۱۳۸۲ است که بوی مهریابی دارد و عطر متمم مهر با یاد کامرانوی مهربان تر شده است انگار.**

● **فردا تمام دوچراهم گرفت و بعد برای عیادت به خانه‌اش خواهم رفت. افسوس که آن قرار به تأخیر افتاد و دیدار استقامت حرتی سر بر دل، پاییز سال ۱۳۸۲ است که بوی مهریابی دارد و عطر متمم مهر با یاد کامرانوی مهربان تر شده است انگار.**

● **فردا تمام دوچراهم گرفت و بعد برای عیادت به خانه‌اش خواهم رفت. افسوس که آن قرار به تأخیر افتاد و دیدار استقامت حرتی سر بر دل، پاییز سال ۱۳۸۲ است که بوی مهریابی دارد و عطر متمم مهر با یاد کامرانوی مهربان تر شده است انگار.**

دلبسته خراسان و صبح‌های دل‌انگیز نیشابور است

● **استاد دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی فرزند مرحوم آشیخ میرزا محمد است. خانواده شفیعی نسل اندر نسل از شیوخ کدکن بوده‌اند و لقب میرزا و نام شفیعی او همچنین کتاب‌های نظری در حوزه «ادبیات فارسی نگاشته که شهرت بسیار دارند: «صور خیال در شعر فارسی»، «موسیقی شعر»، «زبان شعر در گزیده‌های نثر محمدرضا شفیعی» و «زبان شعر و نثر صوفیه» و جز این‌ها. از آن میان توجه به عرفان ایرانی اسلامی – که آن را اول سقوی است، بنده، رضا نقدی که افتخار خوبی همان تصوف می‌داند – بخش شایان توجهی از آثار او را به خود اختصاص دادیم. بعضی از مواقع که استاد به مشهد تشریف آورده‌اند به زیارت ایشان رفته و در بعضی از سفرهای ایشان به شهرهای خراسان ملازمشان بوده‌ام. گزارش این**

● **استاد دانشگاه تهران در زمینه تز حجه نیم دستی بر آتش دارد: «آثاری مانند «تصوف اسلامی و رابطه کهرای و خدا» نوشته رینولد ا. نیکلسون یا «تاریخ خصلت‌های مهم انسان، در سفر و حضر مطالعه و جست‌وجوست. مثلا در سفرهای خراسان، ایشان از هر شهر و مکان می‌سازد. است تا اکنون در هشتادسالگی نام خود را به عنوان اثر هیفت‌آرا بر کار، نیز ثبت کرده باشد. از دیگر افتخارات او کسب نشان‌های «امشهد پایتخت فرهنگی ایران» و «نشان عالی هنر برای صلح است» برهنه پیش‌رو، ادای دینی است به این قبیله انبیا، بوده است. خود شاعری برجسته است که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوهشگر، منجم، مترجم و... که کامه‌های اجتماعی و انتقادی‌اش شهرت فراوان دارد: «آخرین برگ**

● **محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۱۸، کدکن) شخصیتی بسیار مهم در تاریخ ادبیات معاصر ایران است، و از دوستان و ارفادمتان آن بزرگ شعر معاصر مشهور و ایران‌دوست، است. او با نثر و شعر، ادیب، شاعر، پژوه**